



Examining The Nature of Imam's Ownership: Natural Person vs. Legal Entity, with an Emphasis on Martyr Sadr's Theory of Financing Social Security through Anfal

Sayed Ali Sedaghat: Ph.D. Student in Islamic Economics, Social Sciences Research Institute, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran (Corresponding Author) alisedaghat@rihu.ac.ir | 0000-0002-9944-5119

Mostafa Kazeminajafabadi: Associate Professor, Department of Islamic Economics, Social Sciences Research Institute, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran

kazeminajafabadi@rihu.ac.ir | 0000-0003-2271-2714

Abstract

From the perspective of Martyr Sadr, one of the fundamental pillars of Islamic economics is "social justice," which manifests in the wealth distribution system. Emphasizing the role of the Islamic state in providing social security for the weak and needy, he considers Anfal as one of the main sources for funding this obligation.

Martyr Sadr has proposed his theory on financing social security in conjunction with his theory on the ownership of Anfal by the legitimate Islamic state as the legal entity of the Imam.

In this framework, the primary objective of this research is to examine the nature of the Imam's ownership of Anfal and its relationship with Martyr Sadr's theory on financing social security. The two main questions are: 1) "Is Anfal the property of the Imam as a natural person or as a legal entity?" and 2) "Is the acceptance of Martyr Sadr's theory dependent on the assumption of the Imam's ownership as a legal entity?"

The findings of the study show that although the prevailing view among scholars regarding ownership by the Imam as a natural person seems correct, according to the narrations of "Tahlil al-Anfal" (permissibility of Anfal), accepting the principle of Wilayat al-Faqih (Guardianship of the Islamic

Jurist) -even within the scope of Hisbah affairs- is sufficient to prioritize the use of Anfal for social security needs. Therefore, Martyr Sadr's theory can be considered a legitimate basis for economic policy-making within the Islamic system.

Keywords: Social security, financial security, Anfal, Martyr Sadr, Imam's ownership, real person, legal entity

JEL Classification: Z12, H55, P43, K11

بررسی ماهیت اموال امام از جهت ملکیت شخص حقیقی یا حقوقی امام با تأکید بر نظریه «تأمین مالی تأمین اجتماعی از انفال» شهید صدر

سید علی صداقت: دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول)

alisedaghat@rihu.ac.ir |  0000-0002-9944-5119

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی: دانشیار گروه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

kazeminajafabadi@rihu.ac.ir |  0000-0003-2271-2714

چکیده

از نگاه شهید صدر، یکی از ارکان بنیادین اقتصاد اسلامی، «عدالت اجتماعی» است که در نظام توزیع ثروت تبلور می‌یابد. وی با تأکید بر نقش دولت اسلامی در تأمین اجتماعی اقشار ناتوان و نیازمند، انفال را یکی از منابع اصلی تأمین مالی این وظیفه می‌داند.

شهید صدر نظریه خود در زمینه تأمین مالی تأمین اجتماعی را آمیخته با نظریه خود در زمینه ملکیت انفال برای دولت مشروع اسلامی به‌عنوان شخصیت حقوقی امام مطرح کرده است.

در این چارچوب، مسئله اساسی پژوهش، بررسی ماهیت مالکیت امام نسبت به انفال و ارتباط آن با نظریه شهید صدر در زمینه تأمین مالی تأمین اجتماعی است و دو پرسش اصلی، یکی آن است که «آیا انفال ملک شخصیت حقیقی امام است یا ملک شخصیت حقوقی وی؟» و دیگری این‌که «آیا پذیرش نظریه شهید صدر، متوقف بر فرض ملکیت شخصیت حقوقی امام است؟»

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گرچه نظر مشهور میان علما مبنی بر ملکیت شخصیت حقیقی امام، صحیح به نظر می‌رسد اما نظر به روایات «تحلیل انفال»، پذیرش اصل نظریه ولایت فقیه - حتی در حد امور حسبیه - برای اولویت صرف انفال در نیازهای تأمین اجتماعی کافی است. از این رو، نظریه شهید صدر می‌تواند به‌مثابه مبنایی مشروع در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نظام اسلامی مدنظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تأمین اجتماعی، تأمین مالی، انفال، شهید صدر، ملکیت امام، شخص حقیقی، شخصیت حقوقی

طبقه‌بندی JEL: Z12, H55, P43, K11

مقدمه

از دیدگاه شهید صدر، یکی از ارکان سه‌گانه اقتصاد اسلامی، «عدالت اجتماعی» است که در قالب نظام توزیع ثروت در جامعه اسلامی تبلور یافته است (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۲۸۸). در همین راستا، وی معتقد است در اقتصاد اسلامی، دولت هم به «تأمین اجتماعی» موظف است و هم به «توازن اجتماعی» (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۶۵۹)؛ ایشان در توضیح وظیفه نخست می‌گوید: دولت وظیفه دارد که معیشت افراد جامعه را به‌طور کامل تضمین نماید اما نظر بدان‌که توانایی همه افراد جامعه یکسان نیست، آن دسته از کسانی که امکان کار کردن داشته باشند، دولت از طریق فراهم کردن ابزارهای کار، به آن‌ها امکان تأمین معیشت و مشارکت در فعالیت‌های ثمربخش اقتصادی می‌دهد؛ اما وظیفه «تأمین اجتماعی» دولت ناظر به کسانی است که نمی‌توانند با کار و تلاش، نیازهای خود را تأمین کنند و یا توان کار کردن دارند اما دولت به خاطر شرایط خاص و استثنایی خود، نتوانسته است فرصت کار را برای ایشان پدید آورد.

به باور شهید صدر، تأمین اجتماعی بر دو اصل «همیاری همگانی» و «حق مردم در درآمدهای عمومی دولت» استوار است: طبق اصل اول، نیازهای حیاتی و اصلی افراد تأمین می‌شود و طبق اصل دوم، دولت گستره بیشتری از نیازها و سطح بالاتری از زندگی واجدان شرایط را تأمین می‌کند (صدر، ۱۴۱۷ق، صص ۶۶۱-۶۶۲).

اما موضوع اصلی این پژوهش، منابع مالی تأمین اجتماعی طبق اصل دوم است؛ مسئله‌ای که معضل اصلی تحقق تأمین اجتماعی برای دولت‌ها بوده و هست و مطالعات بسیاری درباره آن انجام شده است (عزیزی‌مهر، ۱۴۰۱؛ احمدوند و دیگران، ۱۴۰۱؛ کریمیان، ۱۴۰۱؛ مشیری تبریزی، ۱۳۹۸).

دولت‌ها غالباً تأمین اجتماعی را از منبع «مالیات عمومی»، «حق بیمه» و «عائدی سرمایه‌گذاری» تأمین مالی می‌کنند با این تفاوت که در نظام‌های بورژیزی، اتکاء اصلی دولت‌ها (چهل تا هشتاد درصد) بر روی مالیات و بودجه‌های دولتی است و در نظام‌های بیسمارکی حق بیمه اجباری کارفرمایان و مستخدمان، منبع اصلی تأمین اجتماعی می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۴، ص ۹۳).

اما به باور شهید صدر، اسلام یکی از اصلی ترین کارکردهای «انفال» را تأمین مالی تأمین اجتماعی دانسته است (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۵۳۵) و ما می دانیم که این منبع مالی در بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ایران، از غنای خوبی برخوردار است و می تواند حجم قابل توجهی از تأمین اجتماعی ناتوانان و نیازمندان را پوشش دهد زیرا بسیاری از فقهای که انفال را فقط با مثال تعریف کرده اند، «زمین های موات^۱، زمین هایی که بدون جنگ فتح شود، زمین هایی که مالکان آنها منقرض شده اند، قله کوه ها، دره ها، ارث بی وارث، نیزارها، دریاها، بیابان ها و هدایای منقول و غیرمنقول پادشاهان» را در شمار انفال دانسته اند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹۹؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۸۶؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰۴؛ سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۰؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۸۴) بلکه برخی از فقهاء بزرگ، معادن را نیز از جمله انفال می دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۸، مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۸؛ سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۰؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸۶؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۵۶۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۴۸۰؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۱۴؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۱۶۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۶؛ اصفهانی و خمینی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۱۷). برخی از فقها هم ضابطه مند انفال را تعریف کرده، هر «مال بی مالک» را از انفال دانسته اند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴۱؛ منتظری، بی تا، صص ۶۰-۶۱)؛ شهید صدر نیز به همین نظر تمایل دارد (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۴۴۹).

اما اصلی ترین استدلال شهید صدر برای امکان بهره مندی از انفال برای تأمین مالی تأمین اجتماعی، آیه «فیء» است (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۶۶۸):

«وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رَسُولَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر: ۶-۷).

۱. مقصود از «اراضی موات» در اصطلاح فقهی، آن دسته از زمین هایی هستند که نه به خودی خود آبادند و نه توسط انسان ها آباد شده اند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۷۸).

و آنچه را خدا از آنان [یهود] به رسولش بازگردانده (و بخشیده) چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتی نکشیدید) نه اسبی تاختید و نه شتری؛ ولی خداوند فرستادگان خود را بر هر کس که بخواهد مسلط می‌سازد؛ و خدا بر هر چیز توانا است. آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و زمین‌گیران و در راه‌ماندگان است تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست‌به‌دست نگردد.

حال اگرچه این آیه شریفه فقط ناظر به مصرف «فیء» است و شهید صدر نیز معنای اصلی آن را «غنیمت‌هایی که مسلمانان بدون جنگ از کفار به دست می‌آورند» - که فقط یکی از مصادیق انفال است - می‌داند، اما ایشان معتقد است در اصطلاح شریعت، «فیء» به مطلق «انفال» اطلاق می‌شود و به روایتی از امام محمدباقر(ع) استناد می‌کند که حضرت در بیان مصادیق «فیء و انفال»، تنها به این دسته از غنائم اکتفا نمی‌کنند بلکه زمین‌های ویران یا دره‌ها را نیز ذکر نموده و در پایان می‌فرمایند: «همه این‌ها از «فیء» هستند» (طوسی، ۱۴۰۷ق-ب، ج ۴، ص ۱۳۴، ح ۱۰)؛ ایشان دلالت این روایت را در اطلاق «فیء» بر هر ثروتی که ملک پیامبر یا امام باشد، واضح می‌داند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۶۸۱)؛ و معتقد است منافاتی ندارد که از یک سو امام مالک انفال باشد و از سوی دیگر بر او واجب باشد این ملک خود را صرف گروه‌های شش‌گانه مطرح‌شده در آیه نماید (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۶۶۸)؛ چنان‌که بر پدر واجب است که از ملک خود، نفقه خانواده‌اش را بپردازد (حائری، ۱۴۱۸ق، ص ۶۴۴).

هم‌چنین شهید صدر از فراز «کیلا یكون دولة بين الأغنياء منكم»، نتیجه می‌گیرد که صرف انفال در این مصارف، در تحقق «توازن اجتماعی» - به عنوان دومین وظیفه مهم دولت در اقتصاد اسلامی - نیز مؤثر است (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۶۸۱).

به نظر می‌رسد این نظریه شهید صدر اگرچه از پشتوانه استدلالی متقنی برخوردار است، اما پذیرش آن در مجامع علمی به عنوان مقدمه‌ای برای استفاده از این نظریه در مرحله قانونگذاری و اجرا، نیازمند کاوش‌ها و پژوهش‌هایی است از جمله در این زمینه:

شهید صدر نظریه خود در زمینه تأمین مالی تأمین اجتماعی را آمیخته با نظریه خود در زمینه ملکیت انفال مطرح نموده است (صدر، ۱۴۱۷ق، صص ۶۶۴-۶۶۸)؛ به باور شهید صدر در کتاب «اقتصادنا»، «انفال»، ملک دولت است زیرا ادله‌ای که ملکیت انفال برای پیامبر(ص) و امام را بیان

می‌کنند، بیان‌گر ملکیت منصب امامت و ولایت هستند و میان این جایگاه و هر دولت مشروع اسلامی، این همانی برقرار است (صدر، ۱۴۱۷ق، صص ۴۳۵، ۴۵۱ و ۶۸۱).

اما این دیدگاه نسبت به اموالی که در شریعت ملک امام دانسته شده، مورد قبول عمده فقها نیست بلکه از نگاه ایشان، انفال و خمس ملک شخص امام است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۴۴-۴۴۵؛ یزدی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۳۰۵؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۵، صص ۳۲۹-۳۳۰)؛ بنابراین برای صحت سنجی نظریه شهید صدر در زمینه «تأمین مالی تأمین اجتماعی از طریق انفال»، با پرسش‌هایی مواجه هستیم که دو پرسش اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

الف: آیا اموالی که در شریعت ملک امام معرفی شده، ملک شخصیت حقیقی امام است یا ملک شخصیت حقوقی امام که همان منصب و جایگاه امامت و حکومت بر مردم است؟
ب: آیا نظریه شهید صدر در زمینه تأمین اجتماعی، متوقف بر همین دیدگاه است یا حتی اگر ملکیت شخص امام نیز اثبات شود، باز پذیرش این نظریه امکان‌پذیر است؟

فرضیه تحقیق آن است که حتی اگر اثبات ملکیت انفال برای منصب امامت هم ثابت نشود، نظریه شهید صدر در زمینه «تأمین مالی تأمین اجتماعی» بر مبنای دیدگاهی مشهور در میان فقها، قابل اثبات است اما این تنها نوآوری این مقاله نیست بلکه روشن شدن مسئله ماهیت اموال امام از جهت ملکیت منصب و شخصیت حقوقی امامت یا شخص امام، ثمرات گوناگون فقهی دارد، از جمله این که آیا بر اساس ملکیت شخص حقیقی امام، هرگونه تصرف در این اموال (از جمله خمس)، مشروط به احراز رضایت ایشان است یا بر اساس ملکیت منصب امامت (که در عصر غیبت، «ولی فقیه» متکفل آن است)، هزینه‌کردن آن بر اساس مصلحت‌سنجی‌های وی جایز است (و لو اهمیت آن نسبت به سایر هزینه‌ها و در نتیجه رضایت امام محرز نباشد) و هم‌چنین (آن‌چنان‌که برخی گفته‌اند (آذری قمی، ۱۳۷۳)) جز ولی فقیه، هیچ مجتهد دیگری حق دریافت و هزینه کردن اموال امام (از جمله خمس) را ندارد؟

اما پیش از بررسی پاسخ به پرسش اول، لازم است بدانیم در میان طرفداران عدم ملکیت شخص امام نسبت به اموالی که در شریعت، «ملک امام» دانسته شده، دو رویکرد متفاوت و مهم و تعیین‌کننده حاکم است:

در رویکرد حداقلی، به همین مقدار بسنده می‌شود که اموالی همچون خمس که ملک امام دانسته شده، مثل سایر اموال شخصی امام - که میان ورثه‌شان طبق قانون ارث تقسیم می‌شود -، نیست بلکه پس از یک امام معصوم، به امام معصوم دیگر می‌رسد.

این دیدگاه که مورد پذیرش بسیاری از بزرگان متقدم (همچون ابن زهره (۱۴۱۷ق، ص ۳۲۸) و ابن ادریس (۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۶۶)) و متأخر (همچون محقق داماد (۱۴۱۸ق، ص ۳۶۸)) - قرار گرفته، در مقابل نظر بزرگانی همچون محقق حلی (۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶۵)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۷) و محقق همدانی (۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۲۱۰) است که صراحتاً خمسی که ملک امام است را پس از قبض ایشان، همانند سایر اموال ایشان می‌دانند که طبق قانون ارث تقسیم می‌شود.

البته روشن است که نمی‌توان احتمال داد که این بزرگان درباره اموال کلانی همچون انفال نیز قائل به انتقال به ورثه امام باشند چنان‌که امام خمینی نیز چنین سخنی را مخالف ضروری فقه می‌دانند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۶۳).

اما - همان‌طور که آیت‌الله حائری (۱۴۱۸ق، ص ۴۷۶) فرموده‌اند - این‌که اموال امام به ورثه ایشان ارث می‌رسد یا خیر، در زمانه کنونی ثمره‌ای برای ما ندارد و با موضوع این پژوهش تناسبی ندارد و لذا از پرداختن بدان صرف‌نظر می‌کنیم اما تذکر و توجه بدان برای پاسخ دادن به برخی از مغالطاتی که در استدلال‌ها خواهیم دید، ضروری است.

اما دیدگاه پیش‌گفته شهید صدر (مورد بررسی در این مقاله)، رویکرد حداکثری نسبت به مقوله ملکیت امام است؛ در این رویکرد به صرف ارث نبردن ورثه غیر معصوم امام بسنده نمی‌شود بلکه مقصود از ملکیت منصب امام، ملکیت حکومت اسلامی دانسته می‌شود تا پس از اثبات مشروعیت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، حکومت مشروع اسلامی، مالک این اموال باشد.

البته باید توجه داشت که کسانی که ولایت این اموال را بر عهده حکومت می‌دانند، لزوماً به این نظر قائل نیستند چنان‌که امام خمینی با این‌که صریحاً ملکیت منصب امام نسبت به این

اموال را نفی می‌کند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، صص ۶۵۵ و ۶۵۸ و ۶۶۰)^۱ اما در عصر حضور، «امام معصوم» و در عصر غیبت، «فقیه» را ولیّ امر این اموال می‌شمارد و این اموال را فاقد مالک می‌دانند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، صص ۶۵۹ و ۶۶۲).

اما نظر بدان که فاقد مالک بودن این اموال، مخالف نظر مشهور یا مورد اجماع بزرگان است (به عنوان نمونه رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق، صص ۲۷۵ و ۲۷۸؛ سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۲۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق-الف، ج ۳، ص ۵۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق-ب، ج ۴، ص ۱۳۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۱۲۹)، پیش فرض این تحقیق در بررسی این که انفال و خمس، ملاک شخص حقیقی امام است یا شخصیت حقوقی او، آن است که اولاً امام مالک انفال است و ثانیاً این اموال برخلاف سایر اموال ایشان، به ارث نمی‌رسد.

فرضیه تحقیق نیز آن است که اگرچه انفال ملک شخص حقیقی امام است، اما با التزام به نظریه «ولایت فقیه (و لو در سطح امور حسبیه)» و «تحلیل انفال»، بهره‌مندی از انفال برای تأمین مالی تأمین اجتماعی امکان‌پذیر است.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات صورت گرفته در زمینه «بهره‌مندی از منابع مالی اسلامی برای تأمین مالی تأمین اجتماعی» را می‌توان به دو دسته نظری و تجربی تقسیم نمود:
در دسته اول مطالعات نیز دو رویکرد کلی حاکم است:
در رویکرد اول، با نگاه مثبت به رهنمودهای اسلامی در زمینه منابع مالی تأمین اجتماعی و کارآمدی منابع مالی دینی برای آن، بررسی‌هایی صورت گرفته است:

۱. البته باید توجه داشت که اگرچه ظاهر مطالب ایشان در بحث انفال آن است که آن را ملک منصب امام می‌دانند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴۱)؛ اما در انتهای بحثشان پیرامون مالک خمس، تصریح می‌فرمایند که انفال نیز همچون خمس، نه ملک شخص امام است و نه ملک منصب امامت (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۶۲).

- شعبان‌پور (۱۳۸۸) منابع تأمین اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که قرآن کریم سه منبع غنی «انفاق»، «زکات» و «صدقه» را برای تأمین و رفاه اجتماعی جامعه اسلامی اختصاص داده است.
 - محتشمی و دیگران (۱۴۰۲) هم که درباره نظریه شهید صدر پیرامون تأمین مالی تأمین اجتماعی از منبع انغال بررسی‌هایی انجام داده‌اند، به این نتیجه دسته یافته‌اند که استفاده از انغال برای تأمین مالی تأمین اجتماعی، می‌تواند راه‌حلی اساسی در رفع کمبود مالی تأمین اجتماعی باشد و حکومت اسلامی موظف است در جهت گسترش عدالت اقتصادی، به اجرای این مهم اقدام نماید.
- این پژوهش بحث فقهی پیرامون پیش‌فرض‌های نظریه شهید صدر را در رسالت خود نمی‌بیند و از کنار مباحث مطرح پیرامون ملکیت انفال و ماهیت ملکیت امام نسبت به آن عبور می‌کند و همین‌حال تحقیقات صورت‌گرفته در این زمینه و نوآوری پژوهش حاضر است.
- اما در رویکرد مقابل، فتحی (۱۴۰۰) با تحقیقاتی که در زمینه شیوه جمع‌آوری «خمس» و «زکات» از دیدگاه فقه شیعه داشته و به فقدان پشتوانه منصوص و مستحکم برای عنصر «اجبار» رسیده، نتیجه گرفته که نمی‌توان نظام تأمین اجتماعی را بر اساس آیات و روایات تعریف کرد و اسلام برای بسط «عدالت اجتماعی» یک نظام جامع و مدون ندارد و لذا باید از عقلانیت تجربی برای اجرای این هدف عالی اسلام بهره برد.
- به نظر می‌رسد اگر در این پژوهش، علاوه بر «خمس» و «زکات»، منبع «انفال» نیز برای تأمین مالی تأمین اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گرفت، به این نتیجه نمی‌رسید که چون مردم مجبور به پرداخت نیستند، پس اسلام نیز نظام جامع و مدونی برای تأمین اجتماعی و تحقق هدف عدالت اجتماعی ندارد زیرا انفال از ابتدا ملک امام است و اگر تغایر ماهیت آن با ملک مسلمین ثابت شود، پشتوانه نداشتن عنصر اجبار نمی‌تواند مانعی برای استفاده از این منبع توسط حکومت اسلامی برای تأمین مالی تأمین اجتماعی باشد زیرا از ابتدا این منبع تحت ملکیت و تسلط حکومت است و نیاز به اجبار مردم برای در اختیار حکومت قرار دادن آن‌ها نیست.
- در دسته دوم مطالعات نیز به بررسی تجربه کشورهای اسلامی در بهره‌مندی از منابع مالی دینی برای تأمین اجتماعی کشور پرداخته شده است؛ امتی (۱۴۰۰) کشورهای سرآمد در حوزه زکات و مصرف آن در نظام تأمین اجتماعی را عربستان سعودی، پاکستان، مالزی و

اندونزی معرفی کرده و اهتمام آن‌ها به آمار و گزارش‌های سالانه را بیشتر از سایر کشورهای اسلامی دانسته است.

در این پژوهش، دسته‌بندی این کشورها و چند کشور اسلامی دیگر بر اساس وضعیت «قانون زکات»، «کیفیت توزیع زکات» و «مصرف زکات» انجام شده و از جمله در بخش قانون زکات، کشورها در سه الگوی «جامع اجباری»، «داوطلبانه» و «عرفی و فاقد قانون زکات» دسته‌بندی شده‌اند و از میان ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی، ۴۲ کشور در دسته سوم معرفی شده‌اند و گفته شده در بیشتر کشورهای اسلامی، مدیریت زکات به سمت «خیریه‌ای شدن» در حرکت است.

اما درباره ماهیت ملک امام از جهت ملکیت شخصیت حقیقی یا حقوقی، تنها مقاله‌ای که یافت شد، مطالعه رحمانی و زروندی (۱۳۹۲) پیرامون جایگاه بیت‌المال است؛ ایشان با این استدلال که اسلام ابعاد اجتماعی داشته، به لزوم تشکیل حکومت باور دارد و حکومت نیز نیازمند منابع مالی است، به این نتیجه رسیده‌اند که ظاهر ادله ملکیت امام، ملکیت منصب امامت است و نه شخص امام؛ چنان‌که در سیره عقلا نیز بخشی از اموال را برای اداره و مدیریت جامعه در نظر می‌گیرند و اختیار تصرف در آن‌ها را برای امام جامعه قائل می‌شوند (رحمانی و زروندی، ۱۳۹۲، صص ۳۸-۴۰).

۲. روش تحقیق

روش این تحقیق، کیفی بوده و نسبت به ادله دو نظریه ملکیت شخص حقیقی و حقوقی امام که از طریق منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی جمع‌آوری شده، داده‌پردازی تحلیلی - انتقادی صورت گرفته است چنان‌که داده‌های نقلی - وحیانی که از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی گردآوری شده، به شیوه اجتهادی و با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. ادله ملکیت منصب امامت

اگرچه در نگاشته‌های خود شهید صدر، استدلال ایشان برای این‌که اموال ملک امام را ملک شخصیت حقوقی امامت و حکومت شرعی بر مردم می‌دانند، یافت نشد، اما برخی از فقها

(از جمله شاگرد شهید صدر، آیت‌الله هاشمی شاهرودی) و پژوهشگران ادله‌ای برای این نظر ارائه کرده‌اند:

دلیل اول: فهم عرفی - عقلایی از این که «امام» (به عنوان لفظی که اختصاصی به امام معصوم ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۶۳))، مالک اموالی همچون انفال و خمس دانسته شده، این است که حیثیت امامت در این عبارت، حیثیت تقییدیه است نه این که حیثیت تعلبیه باشد برای ثبوت ملکیت برای شخص امام؛ خصوصاً آن که در برخی از روایات، از تعبیر «والی» یا «قائم به امور مسلمین»^۱ استفاده شده است.

این نکته هم که در ارتکاز عقلائی، حکومت‌ها مالک این اموال دانسته می‌شوند، مؤید همین است که شریعت نیز رویکرد متفاوتی نداشته و بر همان ارتکاز عقلائی تأکید کرده است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، صص ۴۳۹-۴۴۰).

نقد و بررسی: این استدلال نادرست به نظر می‌رسد، زیرا:

اولاً در ارتکاز شیعیان عصر حضور معصومین (ع) (که مخاطب اصلی معصومین بوده و معیار برداشت متقن از کلمات ایشان هستند)، جایگاه امامت یک جایگاه الهی ویژه و متوقف بر نصب خاص بوده، به اشخاص مشخصی منحصر بوده است و هیچ دانشمند ربانی حق نداشته به صرف برتری یافتن در فهم از دین و تقرب به خداوند، خود را «امام» معرفی کند و چون ملکیت شخصی هم یک حقیقت ارتکازی قدیمی بوده که از دیرزمان در ذهن ابناء بشر وجود داشته، طبیعتاً استظهارشان از تعبیر «لإمام»، ملکیت شخصی همان اشخاص خاصی بوده که برای این مقام از سوی خداوند متعال برگزیده شده‌اند.

و ثانیاً وقتی قریب به اتفاق فقها در بحث پیرامون مصرف خمس در عصر غیبت، بر اساس ملک شخصی امام بودن این اموال، بحث و بررسی کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۶۴؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، صص ۴۴۴-۴۴۵؛ یزدی، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۳۰۵؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۵، صص ۳۲۹-۳۳۰) و خود مستدل نیز ملکیت منصب امامت را گاه مخالف نظر مشهور فقها (هاشمی شاهرودی و همکاران، ۱۴۳۲ق،

۱. به کار رفتن تعبیر «للولی» را در یک حدیث یافتیم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰)؛ اما تعبیر «قائم به امور مسلمانان» را در هیچ حدیثی نیافتیم.

ج ۲۱، ص ۳۹۴) و گاه مخالف نظر مشهور میان فقهاء متأخر (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۷۲) می‌داند، چطور می‌تواند فهم عرفی - عقلانی از ادله ملکیت امام را ملکیت منصب امامت بداند؟!

و ثالثاً حتی اگر ظاهر لفظ «ملکیت امام»، ملکیت شخصیت حقوقی امام باشد و ظاهر لفظ امام نیز اعم از امام معصوم باشد^۱، باز در صورتی می‌توان بر این اساس قضاوت نهایی نمود که لسان همه ادله به همین صورت باشد و قرائنی بر اراده خصوص ائمه معصوم(ع) وجود نداشته باشد؛ این در حالی است که با نگاهی به ادله، قرائن متعددی بر این مطلب و صرف ظهور اولیه لفظ «امام» در «مطلق حاکم شرعی» یافت می‌شود؛ از آن جمله است:

الف: در آیه خمس^۲ و آیه «فیء» و برخی از احادیث معتبره (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۸، ح ۱)، از تعبیر «ذوی القربی» استفاده شده است و چنان‌که در برخی از روایات دیگر بیان شده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۹، ح ۱ و ۲)، مقصود از «ذوی القربی» خصوص اهل بیت عصمت(ع) هستند و حتی اگر دلیل بر تعیین و اختصاص این عنوان به ایشان وجود نداشته نباشد، باز ظهور این عنوان در منصب امامت و حکومت نیست.

هم‌چنین در یک حدیث معتبر، سخن از سهم حضرت فاطمه زهرا(س) (علی‌رغم این‌که از منصب حکومت بر مردم برخوردار نبوده‌اند) از «فیء» مطرح است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴۳، ح ۲۳) چنان‌که در حدیثی دیگر، ایشان به همراه فرزندان امامشان، مالک خمس معرفی می‌شوند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۲۲، ح ۵)؛ درحالی‌که ظاهر این عنوان نیز ملکیت منصب امامت نیست.

۱. آیت‌الله مؤمن قرائنی را بر ظهور لفظ «امام» در احادیث در خصوص امام معصوم گرد آورده است (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۴۱).

۲. «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ...»؛ بدانید هر گونه غنیمتی که به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و خانه‌نشینان و درراه‌ماندگان است (انفال: ۴۱).

در آیه انفال^۱ نیز انفال برای خداوند و رسول او دانسته شده و لفظ امام در این آیه مطرح نیست و روشن است که حتی اگر لفظ «امام» نسبت به هر حاکم مشروعی اطلاق داشته باشد، عنوان «رسول» اطلاقی نسبت به آن‌ها ندارد و التزام به ملکیت ائمه معصوم (ع) نسبت به انفال نیز نه به خاطر اطلاق این لفظ نسبت به ایشان، بلکه به خاطر ادله فراوانی است که ایشان را نازل منزله رسول الله (ص) و مالک انفال معرفی می‌کند.

ب: در برخی از روایات - از جمله حدیث حماد که خود ایشان آن را مستند فتاویٰ اصحاب در ابواب فقهی گوناگون می‌داند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۶ و شبیه آن ج ۲، ص ۴۱۶)؛ - بیان شده که اهل بیت (ع)، سهم خداوند - که نزد پیامبر او (ص) است - و رسول الله (ص) از خمس را با وراثت می‌برند و با سهمی که خود از خمس دارند، نیمی از خمس برای ایشان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۰ و طوسی، ۱۴۰۷ق-ب، ج ۴، ص ۱۲۵، ح ۱).

این در حالی است که اگر خمس، ملک منصب حکومت بود، کل این سه سهم باید به عنوان وراثت امامت به ایشان منتقل می‌شد نه خصوص دو سهم خداوند و رسول او (ص). ج: در شماری دیگر از روایات، اهل بیت (ع) با استفاده از ضمائر متکلم، خمس را برای خود دانسته (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۶، ح ۱۷) یا با استفاده از اسم ظاهر، خود را «صاحب الخمس» می‌دانند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۵۴۶-۵۴۷، ح ۲۰) یا نیازهای شخصی خود را مصرف آن می‌شمارند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۸، ح ۲۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق-ب، ج ۴، صص ۱۳۹-۱۴۰) و ظاهر عرفی مجموع این‌ها ملکیت خصوص امام معصوم است.

با این همه قرائن، باز هم اگر ظهور لفظ «امام»، نسبت به شخص امام معصوم احراز نگردد، دست کم احراز ظهور این لفظ نسبت به مطلق حاکم مشروع امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد و روشن است که با اجمال دلیل، حجتی بر ملکیت حکومت اسلامی نسبت به انفال وجود نخواهد داشت؛ به دیگر سخن، برای ترتیب آثار ملکیت حکومت اسلامی نسبت به اموال

۱. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ...»؛ از تو درباره انفال می‌پرسند، بگو: انفال برای خدا و پیامبر است (الأنفال: ۱).

۲. نظر به تعبیر «شیعتنا» در این روایت، مقصود از صاحب الخمس نمی‌تواند هر حاکم مشروعی باشد.

امام، «احراز» ظهور ادله در این معنا لازم است اما برای لزوم «رعایت رضایت امام در تصرف در اموال ایشان»، احتمال ملکیت شخص امام کافی است.

تأیید ملکیت حکومت به ارتکاز عقلانی هم صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا بر فرض در ارتکاز عقلانی، حکومت‌ها مالک باشند و نه مردم، حکومت‌های فعلی و دولت‌های رسمی حاکم هستند در صورتی که بیشتر حضرات معصومین (ع) از حکومت فعلی برخوردار نبوده‌اند و چون هیچ تردیدی در برخورداری ایشان از حق خمس و انفال وجود ندارد، معلوم می‌شود که فعلیت حکومت، دخالتی در مالکیت ندارد بلکه مقام شرعی حکومت و ولایت بر مردم، مالک انفال است و لو از حکومت اثباتی و دولت رسمی برخوردار نباشد؛ پس آن ارتکاز با مدعای ایشان تناسبی ندارد.

دلیل دوم: ظاهر آیه خمس، ملکیت جهت و منصب امامت است زیرا وقتی آیه شریفه این اموال را ملک خدا و رسول و ذی‌القربی می‌داند، تناسب آن صرفاً با این است که این اموال ملک ذات خداوند متعال نیست بلکه ملک شأن ولایت و حاکمیت خداوند متعال است که در طول او، برای پیامبر (ص) و امام (ع) نیز وجود دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۴۰)؛ خصوصاً آن‌که جعل ملکیت اعتباری برای خداوند واجب‌الوجود در عرض سایرین، تناسب عقلی - عقلانی ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، صص ۳۷۴-۳۷۵).
نقد و بررسی: این استدلال صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا برداشتی که ایشان از آیه شریفه دارند، فراتر از یک احتمال در دلالت آن - که مخالف با روایات یادشده است - نیست اما احتمال این‌که آیه شریفه بیان‌گر مالکیت شخص خداوند متعال، پیامبر خدا (ص) و امام (ع) در عرض یکدیگر باشد، اگر ظاهر آیه شریفه (به خاطر دلالت لام ملکیت و عطف) نباشد، دست‌کم نظر به روایات یادشده و نیز چندین روایتی که «سهم خداوند متعال را در عرض

۱. ایشان دلالت این دو را در صورت نبود قرائن دیگر می‌پذیرد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۷۴).

سهم پیامبر خدا (ص) و امام (ع) قرار می‌دهند^۱، متعین می‌گردد؛ روایاتی که خود ایشان صدور اجمالی آن‌ها را مورد اطمینان دانسته‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۷۱).

هم‌چنین ظاهر این‌که بسیاری از فقهاء متقدم (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۵؛ سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق-الف، ج ۴، ص ۲۰۹؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸۰؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۰) و متأخر (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۳۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۴؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۲۰۰؛ سید یزدی و ۴۰ تن از فقهای محشی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۲، ص ۱۸۶)، متن همین روایات را در فتوایشان تکرار کرده‌اند، آن است که ایشان نیز خمس را ملک جهت واحد حکومت شرعی نمی‌دانند^۲.

ملکیت اعتباریه خداوند متعال هم غرابتی ندارد و برخی از بزرگان درباره ملکیت وقف عام بدان قائل شده‌اند (سیوری حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۹۴؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۶۴)؛ و ثمره آن، حرمت تصرف در این دسته از اموال خداوند متعال است به خلاف اموالی که ملکیت تکوینی آن‌ها برای خداوند متعال است اما تصرف در آن‌ها برای انسان‌ها جایز است^۳.

۱. به عنوان نمونه به این روایت توجه کنید: «... وَ یُقَسَّمُ بَیْنَهُمُ الْخُمْسُ عَلَى سِتَّةِ أَشْهُمٍ: سَهْمٌ لِلَّهِ وَ سَهْمٌ لِلرَّسُولِ اللَّهِ وَ سَهْمٌ لِذِي الْقُرْبَى وَ سَهْمٌ لِلْيَتَامَى وَ سَهْمٌ لِلْمَسَاكِينِ وَ سَهْمٌ لِأَبْنَاءِ السَّبِيلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۹ ح ۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق-ب، ج ۴، ص ۱۲۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۵۱۶ ح ۱۲ به نقل از رساله «محکم و متشابه» سید مرتضی و ایشان به نقل از تفسیر نعمانی).

البته سند هیچ‌یک از این سه روایت، صحیح نیست ولی تعدد آن و نقل آن در کتب کهن و اصیل شیعه به حدی است که سبب اطمینان بسیاری از فقهاء به صدور آن شده است. به عنوان نمونه رک: نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۸۳؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۲۰۰.

۲. البته ایشان نه از آن روایات و نه از فتاوی فقهاء غافل نیستند بلکه می‌فرمایند چه بسا نه فقط فقهاء شیعه بلکه همه فقهاء مسلمان، اجماع بر تقسیم خمس به شش سهم داشته باشند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۷۱) اما می‌فرمایند چون ظاهر روایات آن است که همان خمسی که در آیه شریفه بیان شده را تبیین می‌نمایند و ظاهر آیه شریفه نیز بیان مصرف خمس است و نه مالک آن، لذا روایات نیز نمی‌تواند جز مصرف خمس را بیان نماید (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، صص ۳۸۰-۳۸۱).

۳. آیت‌الله موسوی خلخالی در پاسخ به این استدلال، از این طریق پاسخ داده‌اند که عدم معهودیت ملکیت اعتباریه خداوند متعال سبب می‌شود بگوئیم چون ادله دال بر ملکیت، متعدد است (لام بر سر رسول و

اگر هم وجه غرابت در جعل ملکیت برای خداوند متعال در عرض پیامبر (ص) و امام (ع) است، اما نظر به قرائن یادشده، قابل التزام و متعین به نظر می‌رسد.

احتمالاً به خاطر همین نکات بوده است که شهید صدر هم که در درس فقه خمس، ابتدا گرایشی به این دلیل نشان داده (صدر، ۱۴۴۵ق، ج ۲، ص ۳۴۶)؛ اما در ادامه این مقدار را برای استظهار از آیه کافی ندانسته و مقتضای جمود بر ظاهر آیه را ملکیت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در عرض خداوند متعال دانسته است (صدر، ۱۴۴۵ق، ج ۲، ص ۳۴۸).

دلیل سوم: حدیث ابوعلی راشد: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ صَاحِبِ الْعُسْكَرِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ نُؤْتَى بِالشَّيْءِ فَيُقَالُ هَذَا مَا كَانَ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) عِنْدَنَا فَكَيْفَ نَصْنَعُ فَقَالَ مَا كَانَ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) بِسَبَبِ الْإِمَامَةِ فَهُوَ لِي وَمَا كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَهُوَ مِيرَاثٌ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص).

ابوعلی حسن بن راشد گوید به امام هادی (ع) عرض کردم: فدایتان شوم! گاه چیزهایی نزد ما می‌آورند و می‌گویند این از اموال امام جواد (ع) است که نزد ما باقی مانده؛ با این اموال چه کنیم؟ ایشان فرمودند: هر مالی که به سبب امامت ملک ایشان بوده باشد، هم‌اینک از آن من است اما آنچه که به غیر سبب امامت ملک ایشان بوده باشد، طبق کتاب و سنت به وارثان ایشان به ارث می‌رسد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۵۹؛ و شبیه آن: صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق-ب، ج ۹، ص ۲۳۴).

سند این روایت قابل تصحیح است زیرا همه راویان این روایت در نگاشته‌های کهن رجالی صریحاً توثیق شده‌اند و اگرچه برخی محمد بن احمد و محمد بن عیسی را تضعیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۴۸؛ طوسی، ۱۴۲۷ق، صص ۳۹۱ و ۴۴۸؛ طوسی، ۱۴۲۰ق،

ذی القربی نیز در آمده)، ملکیت درباره خداوند متعال، غیراعتباری - هم‌چون ملکیتی که در آیه «وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ» (نور: ۳۳) مطرح شده - و درباره پیامبر خدا (ص) اعتباری است (موسوی خلیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۶۱۲).

اما این فرمایش هم مخالفت وحدت سیاق است و هم این‌که اگرچه در آیه خمس (انفال: ۴۱) و فیء (حشر: ۷)، لام بر «رسول» نیز درآمده اما در آیه انفال (انفال: ۱)، این‌طور نیست و ظاهر از ادله آن است که ملکیت خمس و فیء و انفال، سنخ واحدی دارند.

ص ۴۰۲)؛ اما در تحقیقات بعدی دانشمندان رجال، عدم صلاحیت این تضعیفات برای معارضه روشن شده و جای تأمل و تردید ندارد (خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، صص ۱۲۱-۱۲۳ و ج ۱۶، ص ۵۱).

نقد و بررسی: برخی از علما و پژوهشگران، دلالت این روایت در ملکیت منصب امامت را واضح دانسته‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۳؛ سعدی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۱)؛ و گویا به همین دلیل تقریبی برای استدلال به آن ارائه نکرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد استدلال به این روایت با سه تقریب امکان‌پذیر است:

تقریب اول: «از روایت معلوم می‌شود که برخی از اموال امام، ملک منصب امامت ایشان است و طبیعتاً مصداق این اموال، اموالی همچون خمس است که موضوع آن خصوص امام است و با اسباب رایجی که دیگران نیز می‌توانند از آن طرق تملک نمایند، برای امام حاصل نشده است».

نقد تقریب اول: این تقریب درست نیست، زیرا اولاً روایت به هیچ وجه بیانگر این نیست که امامت حیثیت تقییدیه بوده و این اموال، ملک جهت امامت است بلکه تعبیر «مَا كَانَ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) بِسَبَبِ الْإِمَامَةِ» کاملاً ظاهر در آن است که امامت سبب شده که این اموال، ملک شخص امام باشد؛ اما بر فرض ظهور عبارت در حیثیت تعلیلیه پذیرفته نشود، دست‌کم ظهوری در حیثیت تقییدیه ندارد و باز استدلال مخدوش خواهد بود.

و ثانیاً حتی اگر ظاهر این تعبیر آن باشد که برخی از اموال امام، ملک جهت امامت است، باز موضوع این ملکیت در روایت مشخص نشده و در مقابل بزرگانی که می‌گویند خمس، صرفاً پیش از قبض امام ملک منصب امام است و پس از قبض، مثل سایر اموال ایشان، به ورثه‌شان ارث می‌رسد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۷؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۲۱۰)، نمی‌توان با این روایت، پاسخی قانع‌کننده ارائه داد.

تقریب دوم: «از یک سو به روشنی می‌دانیم که اموال کلانی که مصادیق انغال دانسته شده، طبق قانون ارث میان همه ورثه امام تقسیم نمی‌شود^۱ و از سوی دیگر طبق این روایت، این اموالی که طبق قانون ارث تقسیم نمی‌شود، همان اموالی هستند که ملک منصب و شخصیت

۱. پیشتر دیدیم که امام خمینی این مطلب را ضرورت فقه دانستند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۶۳).

حقوقی امام (ع) می‌باشند؛ بنابراین در مورد انفال می‌توان اثبات نمود که ملک شخصیت حقوقی امام است».

نقد تقریب دوم: حتی اگر از اشکال به تقریب اول چشم‌پوشی شود و دلالت روایت بر ملکیت منصب امامت پذیرفته شود، باز این تقریب نمی‌تواند کافی باشد زیرا نمی‌توان از قضیه «آنچه ملک منصب امام است، به ارث نمی‌رسد»، نتیجه گرفت: «پس هر آنچه به ارث نمی‌رسد، ملک منصب امام است» - چنان‌که از قضیه «هر گردویی گرد است»، نمی‌توان نتیجه گرفت «هر گردی گرد است»! - زیرا ممکن است انفال هم مثل وقف خاص ابدی باشد که طبق نظر بسیاری از بزرگان^۱، ملک موقوف‌علیهم می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۸۷؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، صص ۱۵۳-۱۵۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۹۴؛ کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۶۴)؛ به‌طوری‌که مثلاً اگر کسی زمین آباد را برای «پسران خود تا ابد» وقف نماید، آن زمین برای پسران او در زمان زندگانی آن‌ها خواهد بود اما پس از فوت ایشان، به دخترانشان به ارث نمی‌رسد بلکه برای پسران در نسل بعدی خواهد بود (ابن الوحید البهبهانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۱۰؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۹۶؛ یزدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲۶). این گذشته از آن است که این تقریب فقط در خصوص انفال که به ارث نرسیدن آن‌ها قطعی است، قابل بیان است نه در خمس که برخی از بزرگان قائل به ارث بودند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۷؛ همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۲۱۰).

تقریب سوم: اطلاق قاعده «ما ترکه المیت فلورثته»^۲ - که مضمون آن هم از برخی از آیات قرآن ممکن است استظهار شود^۳ و هم در روایات عامه صریحاً مطرح شده (مسند ابن حنبل، ج ۲۸، ص ۴۳۴؛ ابی داود، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۲۶۸؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۳۵۲؛ طبرانی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۲۶۵)؛ - مقتضی آن است که انفال ملک شخص امام نباشد زیرا اگر

۱. بلکه شهید ثانی این نظر را به «اکثر» نسبت داده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۷۶).

۲. تعبیر قاعده نسبت به این عبارت در کلام آخوند خراسانی (۱۴۰۶ق، ص ۶۲) آمده است.

۳. به‌عنوان نمونه از این آیه شریفه: «وَلَكُمْ نَصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرَّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ...» (نساء: ۱۲).

ملک شخص امام باشد درحالی که حتماً به ارث نمی‌رسد، این قاعده مقید به غیرانفال خواهد شد درحالی که اصالةالإطلاق مقتضی عدم تقیید این قاعده است.

اما اگر انفال را ملک منصب امام بدانیم، این قاعده مقید نخواهد شد؛ زیرا بنا بر این فرض، «انفال» مصداق «ما ترکه المیت» نیست، چراکه با از دنیا رفتن یک امام، منصب امامت از دنیا نمی‌رود و بر فرض هم که مصداق ما «ترکه المیت» شود، خود روایت ابوعلی بن راشد دلیل بر تقیید اموال منصب امامت است و باز تخصیص زائدی در قاعده صورت نخواهد گرفت.

نقد تقریب سوم: حتی اگر از اشکالات در برداشت این قاعده از آیات و روایات عامه اغماض شود، باز این استدلال صحیح نیست زیرا:

اولاً این استدلال متوقف بر آن است که اصل اطلاق و عموم (اصل عدم تخصیص و تقیید)، می‌تواند مثبت تخصیص باشد درحالی که بسیاری از دانشمندان علم اصول با این مطلب مخالف‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، صص ۲۲۵-۲۲۶؛ خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، صص ۲۳۶-۲۳۷؛ خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۰۶؛ حکیم، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۳۵۸)؛ و معتقدند اصول لفظی، فقط در صورتی که مراد متکلم مبهم باشد، از دیدگاه عقلاً پذیرفته است اما در صورتی که مراد متکلم روشن باشد، نمی‌توان کیفیت اراده را با آن‌ها تعیین نمود. در محل بحث نیز وقتی مراد شارع را می‌دانیم که انفال، به ارث نمی‌رسند، نمی‌توانیم بگوییم پس اقتضای اصل عموم در قاعده «ما ترکه المیت فلو ارثه»، آن است که انفال مصداق «ما ترکه المیت» نیست.

و ثانیاً بر فرض با اصل عدم تخصیص بتوان اثبات تخصیص کرد، همه قرائنی که پیش‌ازین برای ملکیت شخص امام ذکر شد به ضمیمه قطعی بودن عدم ارث انفال، می‌تواند دلیل بر تقیید این قاعده باشد.

نظر به این مطالب روشن می‌گردد این‌که برخی از بزرگان برای نفی دیدگاه «ملکیت شخص امام» به این نکته استدلال کرده‌اند که «لازمه آن به ارث رسیدن این اموال میان ورثه است»، صواب نیست زیرا همان‌طور که در آغاز مقاله بیان شد، این فقط یک رویکرد حداقلی است که ملکیت شخص امام نسبت به انفال و خمس و ...، ملازم با به ارث رسیدن آن‌ها

فرض می شود حال آن که هیچ مانعی وجود ندارد از این که هم به ملکیت شخص امام معتقد باشیم و هم آن ها را مال قابل ارث میان همه ورثه ندانیم.

دلیل چهارم: اسلامی که دین عدالت و انصاف است، نمی تواند همه معادن و اراضی و دریاها و... را ملک شخصی یک نفر در هر زمان بداند (منتظری، بی تا، ص ۶۱؛ سعدی، ۱۳۹۹، صص ۱۳۱-۱۳۲).

نقد و بررسی: این استدلال هم درست نیست زیرا اسلام، خداوند متعال را مالک مطلق اشیاء می داند (بقره، آیه ۲۸۴، آل عمران، آیه ۲۶ و ۱۰۹ و ۱۲۹ و...) و اگر مالک تکوینی مطلق اشیاء و اموال که از علم و حکمت بی نهایت نیز برخوردار است، همان طور که اهل بیت (ع) را مالک باطنی کل زمین قرار داده^۱ و وجود زمین را بر وجود ایشان متوقف نموده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱ و ۴ و ۸ و ص ۱۷۹، ح ۱۰ و ۱۱ و ۱۲)، در عالم تشریع نیز طبق صلاحدید خود، انفال و... را ملک آن بهترینان بداند، هیچ مخالف عدالت و انصاف نیست؛ خصوصاً آن که این اموال اگرچه ملک امام است، اما (طبق دیدگاه بسیاری از فقها (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۵۶۴؛ موسوی خلخالی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳۷؛ سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۳، مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۲، صص ۱۳۶ و ۲۲۸؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۷۸) و مفسرین (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۳۹۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۰۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۵۰۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۹۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۱۵۵، طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۰۳)، باید میان گروه های شش گانه مطرح شده در آیه هفتم سوره حشر (از جمله ایتم، نیازمندان و در راه ماندگان) مصرف شود.

۱. در کتاب کافی بابی مشتمل بر ۸ حدیث با این مضمون گردآوری شده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱ ص ۴۰۸-۴۱۰) و عبارت متن ناظر به نظر برخی از علما از جمله محقق اصفهانی است که آن ها را ناظر به مقام باطنی و ملکیت حقیقی اهل بیت (ع) می داند (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۶) اما برخی دیگر از علما به لحاظ فقهی نیز به مضمون این روایات ملتزم شده اند (کلینی به نقل از ابن ابی عمیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۲۹۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۴۳۷؛ صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۴۵۸؛ درباره زمین هایی که هنگام فتح توسط مسلمانان، میته بوده یا بالاصاله آباد بوده است: سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۰).

این گونه مطالب بیشتر به ذوقیات و استحسانات شخصی می‌ماند که در مقام فهم دین به شدت نکوهیده است (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴).
دلیل پنجم: نظر بدان که قرآن کریم در آیه «فیء»، «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» را به عنوان تعلیل حکم تملیک «فیء» به پیامبر خدا(ص) و اهل بیت ایشان(ع) مطرح نموده، معلوم می‌شود «فیء»، ملک شخصی ائمه(ع) نیست و گرنه محذور «گردش انحصاری اموال در میان ثروتمندان» پدید می‌آید.^۱

نقد و بررسی: اولاً در این آیه شریفه، «فیء» فقط از آن پیامبر خدا(ص) و اهل بیت ایشان(ع) دانسته نشده بلکه سه دسته از نیازمندان نیز در عرض ایشان مطرح شده‌اند و همین برای گردش اموال در میان طبقات مختلف جامعه کافی است.

ثانیاً تملیک انحصاری اموال به پیامبر خدا(ص) و اهل بیت ایشان(ع) نیز لزوماً موجب انحصار گردش اموال میان ثروتمندان نمی‌شود زیرا خداوند متعال می‌داند که ایشان وظیفه خود را به خوبی می‌شناسند و عمل می‌کنند و از انباشت ثروت در نزد ثروتمندان و سایر محاذیر الهی به شدت ابا می‌ورزند و از اموال شخصی خویش - حتی در زمانی که دسترسی چندان به همه اموال واقعی خویش ندارند - هم برای اقشار پایین دست فراوان هزینه می‌کنند. اما حتی اگر از همه اشکالات بیان شده در ادله یادشده چشم‌پوشی شده و اصل ملکیت منصب امامت پذیرفته شود، باز (همان‌طور که برخی از بزرگان نیز فرموده‌اند) (موسوی خلخالی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، صص ۶۰۹، ۶۱۰ و ۶۱۵) نمی‌توان هر حکومت مشروع اسلامی را مالک این اموال دانست زیرا نه آیه انفال، نه آیه «فیء» و نه بسیاری از ادله دیگری که مالک انفال و خمس را بیان می‌کند، اطلاقی نسبت به هر حاکم مشروع ندارند و بیش از ملکیت «منصب امام معصوم»، از آن‌ها قابل برداشت نیست و لذا این که نسبت به دخالت «عصمت امام» در ملکیت این اموال، الغاء خصوصیت نموده و هر حکومت مشروعی را مالک این اموال بدانیم، فاقد دلیل به نظر می‌رسد.

۱. اشاره به این آیه شریفه نیز در عبارت دو منبع استدلال قبلی وجود دارد (منتظری، بی تا، ص ۶۱؛ سعدی، ۱۳۹۹، صص ۱۳۱-۱۳۲) اما در این عبارت تلاش شد این استدلال با وجاهت بیش‌تری نظر به صدر آیه تقریر شود.

۴. امکان سنجی تأمین مالی تأمین اجتماعی از طریق انفال بر اساس ملکیت شخص حقیقی امام

اگرچه شهید صدر نظریه «تأمین مالی تأمین اجتماعی از طریق انفال» را بر اساس ملکیت دولت و حکومت اسلامی نسبت به انفال توضیح داده است، اما به نظر می‌رسد حتی بر مبنای التزام به ملکیت شخص امام نیز می‌توان این نظریه را اثبات نمود؛ توضیح آنکه:

شماری از روایات (طوسی، ۱۴۰۷-ب، ج ۴، ص ۱۴۳ ح ۲۳ و ص ۱۴۴ ح ۲۵ و ص ۱۴۵ ح ۲۶ و ۲۷) که مورد فتوای فقها است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، صص ۴۸۰-۴۸۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، صص ۱۳۴-۱۴۰؛ سیستانی، ۱۳۹۶، ج ۳، صص ۶۱۳-۶۱۴)، دلالت دارند بر آن که استفاده از انفال در عصر غیبت - دست کم - برای شیعیان تحلیل شده است؛ بر این اساس، به نظر می‌رسد جمع عرفی میان آیه ششم و هفتم سوره حشر با این روایات، آن است که اهل بیت (ع) رخصت داده‌اند همان وظیفه تقسیم انفال میان گروه‌های مطرح در آیه «فیء» - که بر عهده خود ایشان بوده - را شیعیان خود به عهده گیرند و با استفاده از منابع انفال، به اداره امور ایتم، نیازمندان و در راه ماندگان بپردازند.

حال نظر بدان که استفاده بی ضابطه از انفال در زمانه کنونی، مستلزم هرج و مرج و بی‌نظمی گسترده در امور جامعه و آسیب‌های شدید امنیتی و زیست‌محیطی و ... می‌شود، طبق دیدگاه قریب به اتفاق فقها که اصل ولایت فقیه را قبول دارند، می‌توان اثبات نمود که امر ولایت و مدیریت آن‌ها به دست «فقیه جامع‌الشرایط» به عنوان حاکم شرع می‌باشد زیرا آن دسته از فقها که به «ولایت مطلقه فقیه و حق تشکیل حکومت اسلامی برای فقیه در عصر غیبت» باور دارند، به روشنی نمی‌توانند بپذیرند که شارع مقدس از یک سو برای فقیه حق تشکیل حکومت قرار داده باشد و از سوی دیگر با تحلیل استفاده بی ضابطه و نظارت شیعیان از ثروت عظیم انفال، حق تنظیم مصالح اجتماعی را از دست حکومت اسلامی گرفته و زمینه هرج و مرج و آسیب‌های فراوان اجتماعی را ایجاد نموده باشد.

اما آن دسته از فقها هم که به ولایت مطلقه فقیه (شامل تشکیل حکومت اسلامی) معتقد نیستند اما به ولایت فقیه در امور حسیه (اموری که شارع به وانهادن امر آن‌ها در عصر غیبت راضی نیست) باورمندند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۷۱؛ نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، صص ۳۴۱؛ میلانی، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۱۹۵؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۵۹)، طبیعتاً ولایت بر امر انفال و مدیریت آن‌ها برای جلوگیری از آسیب‌های بسیار تحلیل بی ضابطه را از آن جمله می‌دانند؛ و

لذا می‌بینیم برخی از فقهای که به ولایت مطلقه فقیه و حق ایجاد حکومت اسلامی توسط وی قائل نیستند (سیستانی، بی‌تا، پرسش و پاسخ: ولایت فقیه)، تصریح کرده‌اند که صرف احیاء اراضی موات برای احیاء زمین کافی نبوده و اذن حاکم شرع، شرط آن است (سیستانی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۶۱۴، مسئله ۱۳۴۹).

بر این اساس این که در اصل چهل و پنجم قانون اساسی، انفال «در اختیار حکومت اسلامی» دانسته شده و نه «ملک آن»، تعبیر دقیقی به نظر می‌رسد که با یافته‌های این مقاله هیچ تعارضی ندارد اما به نظر می‌رسد این که حضرات معصومین (ع) انفال را به صورت مستقیم برای مردم تحلیل کرده‌اند و ما دخالت ولی فقیه و حکومت اسلامی را فقط به خاطر رعایت مصالح اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج معتبر دانستیم، این دلالت سیاستی مهم را دارد که: اولاً حکومت اسلامی موظف است حاصل درآمدهای انفال را در همان مردمانی که انفال برای آن‌ها تحلیل شده است (به خصوص ایتم و نیازمندان که در آیه شریفه مورد تصریح قرار گرفته‌اند) هزینه کند و حق ندارد انفال را منبع اصلی هزینه‌های حکومت‌داری در شئون گسترده آن قرار داده یا بخش خصوصی را از ورود به آن ممنوع کند.

و ثانیاً حکومت اسلامی حق ندارد با محرمانه کردن عملکرد نهادهای کلان مدیریت انفال، آن‌ها را در معرض فساد و ریخت و پاش و هزینه‌های غیرضرور قرار دهد بلکه موظف است تا حد امکان، با شفاف کردن عملکرد نهادهای مدیریت انفال - که در ایران بخش بسیاری از آن‌ها با عنوان «نهادهای عمومی غیردولتی» شناخته می‌شوند -، نظارت‌های مردمی بر شیوه مدیریت آن‌ها را امکان‌پذیر نموده، از فسادهای گسترده‌ای که این اموال به شدت در معرض آن‌اند، جلوگیری نماید.

شرط دیگری که از ملکیت شخص امام نسبت به انفال می‌توان نتیجه گرفت، شرطی است که آیت‌الله موسوی خلخالی - که کتابش در زمینه حکومت اسلامی (موسوی خلخالی، ۱۴۰۲ق) مورد تمجید رهبر انقلاب قرار گرفت (خامنه‌ای، پیام تسلیت در پی درگذشت آیت‌الله سید مهدی خلخالی) - فرموده مبنی بر آن که هزینه کردن اموال ایشان باید بر اساس احراز رضایت امام زمان (عجل الله فرجه) باشد (موسوی خلخالی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، صص ۶۱۵-۶۱۶).

نتیجه گیری

از دیدگاه شهید صدر، انفال ملک دولت شرعی اسلامی است و بر اساس آموزه‌های دینی، این ثروت عظیم می‌تواند به عنوان منبع مالی تأمین اجتماعی ناتوانان و نیازمندان مورد استفاده قرار گیرد.

اما به نظر می‌رسد ادله ملکیت هر دولت اسلامی نسبت به انفال از اتقان کافی برخوردار نیست و طبق آموزه‌های دینی، انفال ملک شخص امام می‌باشد و سایر ثمرات این دیدگاه (از جمله احراز رضایت ایشان برای تصرف در اموال ایشان) باید مترتب شود، اما نظریه تأمین مالی تأمین اجتماعی از طریق انفال متوقف بر این دیدگاه نیست بلکه نظر بدان که از یک سو، ائمه معصوم (ع) به عنوان مالک و ولی انفال، استفاده از آنها را تحلیل فرموده‌اند و از سوی دیگر، استفاده بی ضابطه از آنها مستلزم هرج و مرج و آسیب‌های فراوان اجتماعی است، بر اساس دیدگاه ولایت فقیه، فقیه جامع الشرایط حق دارد طبق ضوابطی که در بحث ولایت فقیه بدان‌ها باور دارد، انفال را منبع مالی تأمین اجتماعی قرار دهد.

کتابنامه

القرآن الکریم.

آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۶ق). حاشیه المکاسب. به تحقیق: سید مهدی شمس الدین. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البیت (ع).

آذری قمی، احمد (۱۳۷۳). شئون و شرایط رهبری و مرجعیت. قم: مکتبه ولایت فقیه.

ابن ادریس حلی، محمد (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

ابن الوحید البهبهانی و کرمانشاهی، محمدعلی (۱۴۲۱ق). مقامع الفضل. چاپ اول. قم: مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی.

ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). المذهب. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). *المسند*. به تحقیق: عامر غضبان، ابراهیم زبیک، محمد برکات و.... بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن زهره، حمزة بن علی (۱۴۱۷ق). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*. چاپ اول. قم: مؤسسه امام صادق(ع).

ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۹ق). *الرسائل العشر*. چاپ اول. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.

أبی داود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق). *السنن*. به تحقیق: سید ابراهیم. قاهره: دار الحديث.

احمدوند، لیلا؛ صوفی مجیدپور، مسعود و محمودزاده، محمود (۱۴۰۱). *تأثیر ابزارهای سیاست‌های پولی و مالی بر منابع سازمان تأمین اجتماعی*. تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ش ۵۰، ۱۹۵-۲۲۳.

اصفهانى، سید ابوالحسن و خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲ق). *وسيلة النجاة* (مع حواشی الإمام الخمينی(ره)). چاپ اول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(قدس سره).

اصفهانى، محمدحسین (۱۴۱۸ق). *حاشیة کتاب المكاسب*. محقق - مصحح: عباس محمد آل سیاح قطیفی. یکم، قم: أنوار الهدی.

امتی، محمدباقر (۱۴۰۰). وضعیت کشورهای اسلامی در بهره‌مندی از منابع زکات در نظام تأمین اجتماعی. *تأمین اجتماعی*، سال هجدهم، ش ۶۲، ۳۱-۶۲.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *الخمس*. چاپ اول. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). *الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. محقق / مصحح: محمدتقی ایروانی - سید عبدالرزاق مقرر. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). *المحاسن*. محقق - مصحح: جلال‌الدین. چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامية.

بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق). *السنن الکبری*. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیة.

حائری، مرتضی (۱۴۱۸ق). *الخمس*. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل‌البت (علیهم السلام). قم: مؤسسه آل‌البت (علیهم السلام).

- حسینی، سید رضا (۱۳۹۴). *الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب*. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حکیم، سید محمد سعید (۱۴۳۱ق). *التفتیح (تعلیقة موسعة على فرائد الأصول للشيخ الأنصاري)*. بیروت: مؤسسة الحکمة الثقافة الاسلامیة.
- خامنه‌ای، سید علی. پیام تسلیت در پی درگذشت آیت‌الله سید مهدی خلخالی. وبگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۳ق). *تهذیب الأصول*. چاپ اول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹ق). *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال*. چاپ چهارم. قم: منشورات مدینة العلم.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. ج ۱۲. چ ۱. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *محاضرات فی أصول الفقه*. چاپ اول. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
- رحمانی، محمد و زروندی، نفیسه (۱۳۹۲). *تحلیلی بر جایگاه بیت‌المال از منظر فقه معرفت سیاسی*، ش ۱۰، ۲۹-۴۹.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الکتب العربی.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۰ق). *الخمیس فی الشریعة الاسلامیة الغراء*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *کفایة الأحکام*. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سعدی، حسین (۱۳۹۹). *انفال در عصر غیبت*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- سلاّر، حمزة بن عبد العزیز (۱۴۰۴ق). *المراسم العلویة و الأحکام النبویة*. چاپ اول. قم: منشورات الحرمین.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق). *رسائل الشریف المرتضی*. محقق / مصحح: سید مهدی رجائی. چاپ اول. قم: دار القرآن الکریم.

سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵ق). *الانتصار فی انفرادات الإمامیه*. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

سیستانی، سید علی (بی تا). پرسش و پاسخ: ولایت فقیه. برگرفته از پیوند:

<https://www.sistani.org/persian>

سیستانی، سید علی (۱۳۹۶). *توضیح المسائل جامع*. چاپ سوم. مشهد: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.

سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق). *منهاج الصالحین*. چاپ پنجم. قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق). *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی^{ره}.

شعبان پور، غلامرضا (۱۳۸۸). منابع مالی تأمین و رفاه اجتماعی در قرآن کریم. *الهیات / اجتماعی*، سال اول، ش ۱، ۱۶۳-۱۸۸.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. چاپ اول. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق). *اقتصادنا*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۴۵ق). *کتاب الخمس*. چاپ اول. قم: انتشارات دار الصدر.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). *المعجم الكبير*. قاهره: مكتبة ابن تیمیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان*. بیروت: دار المعرفة.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. چاپ سوم. تهران: المكتبة المرتضویه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*. چاپ دوم. بیروت: دار الكتاب العربی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق-الف). *الخلاف*. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق-ب). *تهذیب الأحکام*. تهران: دار الكتب الإسلامیه.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق). الفهرست. محقق - مصحح: سید محمد صادق آل بحر العلوم. یکم، نجف اشرف: المكتبة الرضویة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). الأبواب (رجال الشیخ الطوسی). محقق - مصحح: جواد قیومی اصفهانی. چاپ سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عزیزی مهر، خیام (۱۴۰۱ق). درآمدهای نفتی و سیاست‌های رفاهی؛ تجربه‌ای از برخی کشورهای نفت‌خیز. تأمین اجتماعی، سال هجدهم، ش ۶۳، ۷۱-۱۰۴.
- علامه حلّی، حسن (۱۴۱۱ق). تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین. چاپ اول. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علامه حلّی، حسن (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- فتحی، علی اشرف (۱۴۰۰). فقه شیعه و تأمین اجتماعی. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۳). تفسیر الصافی. تهران: مکتبة الصدر.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق). الوافی. به تحقیق: ضیاءالدین حسینی اصفهانی. چاپ اول. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع).
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کرکی، علی (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- کریمیان، زهرا (۱۴۰۱). تحلیل پایداری مالی صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی با استفاده از پویایی‌های سیستم در افق زمانی ۱۴۳۰. تأمین اجتماعی، سال هجدهم، ش ۶۴، ۱۳-۳۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- محتشمی، علی؛ ابطحی، مصطفی و طاهری ابوالقاسم (۱۴۰۲). جایگاه انفال و نقش آن در نظام تأمین اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی. رهیافت انقلاب اسلامی، سال هفدهم، ش ۶۵، ۲۳۷-۲۵۸.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق). المعتبر فی شرح المختصر. محقق / مصحح: محمدعلی حیدری؛ سید مهدی شمس‌الدین؛ سید ابو محمد مرتضوی؛ سید علی موسوی. چاپ اول. قم: مؤسسه سیدالشهداء (ع).

- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. به تحقیق: عبد الحسین محمد علی بقال. چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید محمد (۱۴۱۸ق). *کتاب الخمس*. چاپ اول. قم: دار الإسرائ للنشر.
- مشیری تبریزی، حسین (۱۳۹۸). *ارزیابی مالی قوانین تأثیرگذار بر جریان منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی*، ۱۵-۳۳.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *المقنعة*. کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره). قم، ایران.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). *موسوعة الفقه الإسلامی المقارن*. قم: دار النشر الإمام علی بن أبی طالب (ع).
- منتظری، حسینعلی (بی تا). *کتاب الخمس*. چاپ اول. قم.
- موسوی خلخالی، سید محمد مهدی (۱۴۰۲ق). *حاکمیت در اسلام*. تهران: آفاق.
- موسوی خلخالی، سید محمد مهدی (۱۴۲۷ق). *فقه الشیعة (کتاب الخمس و الأنفال)*. چاپ اول. قم: دار البشیر.
- مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ق). *کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة*. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات*. تهران: مؤسسه کیان.
- میلانی، سید محمد هادی (۱۳۹۵ق). *محاضرات فی فقه الإمامیه - کتاب الزکاة*. مشهد: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه فردوسی.
- نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳ق). *المکاسب و البیع*. مقرر: میرزا محمدتقی آملی. ج ۲. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). *فهرست أسماء مصنفی الشیعة (رجال النجاشی)*. به تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. چاپ هفتم. لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البیت (ع).
- هاشمی شاهرودی، سید محمود و همکاران (۱۴۳۲ق). *موسوعة الفقه الإسلامی المقارن*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳ق). *قراءات فقهیه معاصره*. چاپ اول. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۵ق). *کتاب الخمس*. چاپ دوم. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- همدانی، رضا (۱۴۱۶ق). *مصباح الفقیه*. قم: مؤسسه الجعفریه لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامی.
- یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۴ق). *تکملة العروة الوثقی*. به تحقیق: سید محمد حسین طباطبائی. چاپ اول. قم: کتابفروشی داوری.
- یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۳۰ق). *العروة الوثقی و التعليقات علیها*. همراه با حاشیه ۴۱ تن از اعلام. قم: مؤسسه السبطین العالمیه.

The Holy Quran.

- Abu Dawud, S. B. A. (1420 AH). *Al-Sunan*. Edited by S. Ibrahim. Cairo: Dar al-Hadith.
- Ahmadvand, L., Sufi Majidpour, M., & Mahmoudzadeh, M. (1401 SH). "The Impact of Monetary and Fiscal Policy Tools on the Resources of the Social Security Organization." *Economic Modeling Research*, No. 50, 195–223.
- Akhoond Khorasani, M. K. (1406 AH). *Hashiyat al-Makasib*. Edited by S. M. Shams al-Din. 1st Ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Akhoond Khorasani, M. K. (1409 AH). *Kifayat al-Usul*. 1st Ed. Qom: Mu'assasah Al al-Bayt.
- Allamah al-Hilli, H. B. Y. (1411 AH). *Tabsirat al-Muta'allimin fi Ahkam al-Din*. 1st Ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publishing House.
- Allamah al-Hilli, H. B. Y. (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam fi Ma'rifat al-Halal wa al-Haram*. 1st Ed. Qom: Islamic Publications Office (Jami'at al-Mudarrisin).
- Allamah al-Hilli, H. B. Y. (1414 AH). *Tadhkirat al-Fuqaha*. 1st Ed. Qom: Mu'assasah Al al-Bayt.
- Amati, M. B. (1400 SH). "The Status of Islamic Countries in Utilizing Zakat Resources in the Social Security System." *Social Security Journal*, 18(62), 31–62.
- Ansari, M. (1415 AH). *Al-Khums*. 1st Ed. Qom: World Congress for the Commemoration of Sheikh Azam Ansari.
- Azari Qomi, A. (1373 SH). *Affairs and Conditions of Leadership and Marja'iyah*. Qom: Maktabat Wilayat al-Faqih.

- Azizimehr, K. (1401 SH). "Oil Revenues and Welfare Policies: Experiences from Selected Oil-Rich Countries." *Social Security Journal*, 18(63), pp. 71–104.
- Bahrani, Y. (1405 AH). *Al-Hada'iq al-Nadira fi Ahkam al-'Itrat al-Tahirah*. Edited by M. T. Irvani & S. A. Muqarram. 1st Ed. Qom: Islamic Publications Office.
- Barqi, A. B. M. (1371 AH). *Al-Mahasin*. Edited by J. Mukhaddith. 2nd Ed. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Bayhaqi, A. B. H. (1424 AH). *Al-Sunan al-Kubra*. 3rd Ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Fajhr al-Razi, M. B. O. (1420 AH). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Fathi, A. (1400 SH). *Shia Jurisprudence and Social Security*. Tehran: Social Security Higher Research Institute.
- Fayz Kashani, M. M. (1373 SH). *Tafsir al-Safi*. Tehran: Maktabat al-Sadr.
- Fayz Kashani, M. M. (1406 AH). *Al-Wafi*. Edited by Z. Hosseini Isfahani. 1st Ed. Isfahan: Imam Amir al-Mu'minin Library.
- Haeri, M. (1418 AH). *Al-Khums*. 1st Ed. Qom: Islamic Publications Office.
- Hakim, S. M. S. (1431 AH). *Al-Tanqih (Extended Commentary on Sheikh Ansari's Fara'id al-Usul)*. Beirut: Mu'assasat al-Hikmah.
- Hamadani, R. (1416 AH). *Misbah al-Faqih*. Qom: Mu'assasat al-Ja'fariyyah li Ihya al-Turath wa Mu'assasat al-Nashr al-Islami.
- Hashemi Shahroudi, S. M. (1423 AH). *Contemporary Juridical Readings (Qira'at Fiqhiyyah Mu'asirah)*. 1st Ed. Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence according to the Ahl al-Bayt School.
- Hashemi Shahroudi, S. M. (1425 AH). *Kitab al-Khums*. 2nd Ed. Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence according to the Ahl al-Bayt School.
- Hashemi Shahroudi, S. M., et al. (1432 AH). *Encyclopedia of Comparative Islamic Jurisprudence*. Qom: Encyclopedia of Islamic Jurisprudence according to the Ahl al-Bayt School.
- Horr al-Amili, M. B. H. (1409 AH). *Wasail al-Shia*. Edited by Al al-Bayt Research Group. Qom: Mu'assasah Al al-Bayt.
- Hosseini, S. R. (1394 SH). *Social Security Models from the Perspective of Islam and the West*. 1st Ed. Qom: Hawzah and University Research Institute.
- Ibn al-Barraj, A. (1406 AH). *Al-Muhadhdhab*. 1st Ed. Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Fahd Hilli, A. B. M. (1409 AH). *Al-Rasail al-Ashar*. 1st Ed. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.

- Ibn Hanbal, A. B. M. (1416 AH). *Al-Musnad*. Edited by A. Ghadhban, I. Zaybaq, M. Barakat, et al. Beirut: Mu'assasat al-Risalah.
- Ibn Idris Hilli, M. (1410 AH). *Al-Sara'ir al-Hawi li-Tahrir al-Fatawa*. 2nd Ed. Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Kathir, I. B. O. (1419 AH). *Tafsir al-Quran al-Azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ibn al-Wahid al-Behbehani, M. A. K. (1421 AH). *Maqami' al-Fadl*. 1st Ed. Qom: Allamah Majdad Vahid Behbehani Institute.
- Ibn Zohreh, H. B. A. (1417 AH). *Ghanyat al-Nuzu' ila Ilmay al-Usul wa al-Furu'*. 1st Ed. Qom: Imam Sadiq (AS) Institute.
- Isfahani, S. A. H. & Khomeini, S. R. (1422 AH). *Wasilat al-Najat (with Commentaries of Imam Khomeini)*. 1st Ed. Qom: Institute for Publication of Imam Khomeini's Works.
- Isfahani, M. H. (1418 AH). *Hashiyat Kitab al-Makasib*. Edited by A. M. Al-Saba' Qatifi. 1st Ed. Qom: Anwar al-Huda.
- Karaki, A. (1414 AH). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id*. 2nd Ed. Qom: Mu'assasah Al al-Bayt.
- Karimian, Z. (1401 SH). Financial Sustainability Analysis of the Social Security Pension Fund Using System Dynamics (Vision 1430). *Social Security Journal*, 18(64), pp. 13–36.
- Kashif al-Ghita, J. B. K. (1422 AH). *Kashf al-Ghita 'an Mubhamat al-Shari'at al-Gharra*. 1st Ed. Qom: Islamic Propagation Office.
- Khamenei, S. A. (2020). *Message of Condolence on the Death of Ayatollah Seyyed Mehdi Khalkhali*. Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works: <https://share.google/9RZvKyC1bJU7Bg4c>.
- Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Bay'*. Tehran: Institute for Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, S. R. (1423 AH). *Tahdhib al-Usul*. 1st Ed. Tehran: Institute for Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khoei, S. A. (1409 AH). *Mu'jam Rijal al-Hadith*. 4th Ed. Qom: Madinat al-Ilm.
- Khoei, S. A. (1418 AH). *Mawsu'at al-Imam al-Khoei (Vol. 12)*. 1st Ed. Qom: Imam Khoei Foundation.
- Khoei, S. A. (1422 AH). *Muhadarat fi Usul al-Fiqh*. 1st Ed. Qom: Imam Khoei Foundation.
- Kulayni, M. B. Y. (1407 AH). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, N. (1390 SH). *Encyclopedia of Comparative Islamic Jurisprudence*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS) Publishing House.

- Mirza'i Qummi, A. (1413 AH). *Jama' al-Shatat fi Ajwibat al-Su'alaat*. Tehran: Mo'assiseh Kian.
- Mohaqqeq Damad, S. M. (1418 AH). *Kitab al-Khums*. 1st Ed. Qom: Dar al-Isra.
- Mohaqqeq al-Hilli, J. B. H. (1407 AH). *Al-Mu'tabar fi Sharh al-Mukhtasar*. Edited by M. A. Haydari et al. 1st Ed. Qom: Seyyed al-Shuhada (AS) Institute.
- Mohaqqeq al-Hilli, J. B. H. (1408 AH). *Sharai' al-Islam fi Masail al-Halal wa al-Haram*. Edited by A. H. M. Baqqal. 2nd Ed. Qom: Ismailiyan Institute.
- Mohtashami, A., Abtahi, M., & Taheri, A. (1402 SH). The Position of Anfal and Its Role in the Social Security System of Post-Revolutionary Iran. *Approach of the Islamic Revolution Journal*, 17(65), pp. 237–258.
- Mo'men Qomi, M. (1415 AH). *Kalimat Sadidah fi Masail Jadidah*. 1st Ed. Qom: Islamic Publications Office (Jami'at al-Mudarrisin).
- Montazeri, H. (n.d.). *Kitab al-Khums*. 1st Ed. Qom.
- Moshiri Tabrizi, H. (1398 SH). *Financial Evaluation of Laws Affecting the Flow of Resources and Expenditures of the Social Security Organization*. 15–33.
- Mousavi Khalkhali, S. M. M. (1402 AH). *Governance in Islam (Hakimiyyat dar Islam)*. Tehran: Afaq.
- Mousavi Khalkhali, S. M. M. (1427 AH). *Fiqh al-Shia (Kitab al-Khums wa al-Anfal)*. 1st Ed. Qom: Dar al-Bashir.
- Mufid, M. B. M. (1413 AH). *Al-Muqni'ah*. Qom: Sheikh Mufid Millennium Congress.
- Milani, S. M. H. (1395 AH). *Muhadarat fi Fiqh al-Imamiyyah (Kitab al-Zakat)*. Mashhad: Ferdowsi University Press.
- Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai' al-Islam*. 7th Ed. Lebanon: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Najashi, A. B. A. (1407 AH). *Rijal al-Najashi (Fihrist Asma Musannifi al-Shia)*. Edited by S. M. Shubayri Zanjani. Qom: Islamic Publications Office.
- Na'ini, M. H. (1413 AH). *Al-Makasib wa al-Bay' (Transcribed by M. T. Amoli)*. 1st Ed. Qom: Islamic Publications Office.
- Naraq, A. B. M. (1415 AH). *Mustanad al-Shia fi Ahkam al-Shari'ah*. 1st Ed. Qom: Mu'assasah Al al-Bayt.
- Rahmani, M. & Zarvandi, N. (1392 SH). An Analysis of the Status of the Public Treasury (Bayt al-Mal) from a Juridical Perspective. *Political Knowledge Journal*, No. 10, 29–49.
- Sabzavari, M. B. (1423 AH). *Kifayat al-Ahkam*. 1st Ed. Qom: Islamic Publications Office.

- Sadi, H. (1399 SH). *Anfal in the Age of Occultation*. 1st Ed. Tehran: Imam Sadiq (AS) University.
- Sallar, H. B. A. (1404 AH). *Al-Marasim al-Alawiyyah wa al-Ahkam al-Nabawiyyah*. 1st Ed. Qom: Al-Haramayn Publications.
- Sayyid Murtada, A. B. H. (1405 AH). *Rasail al-Sharif al-Murtada*. Edited by S. M. Raja'i. 1st Ed. Qom: Dar al-Quran al-Karim.
- Sayyid Murtada, A. B. H. (1415 AH). *Al-Intisar fi Infradat al-Imamiyyah*. 1st Ed. Qom: Islamic Publications Office.
- Sayyuri Hilli, M. B. A. (1404 AH). *Al-Tanqih al-Rai' li-Mukhtasar al-Sharai'*. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Sadr, S. M. B. (1417 AH). *Iqtisaduna (Our Economics)*. Qom: Islamic Propagation Office.
- Sadr, S. M. B. (1445 AH). *Kitab al-Khums*. 1st Ed. Qom: Dar al-Sadr Publications.
- Saduq, M. B. A. (1413 AH). *Man La Yahduruhu al-Faqih*. 2nd Ed. Qom: Islamic Publications Office.
- Shabanpour, G. (1388 SH). Financial Resources of Social Welfare and Security in the Holy Quran. *Social Theology*, 1(1), 163–188.
- Shahid al-Thani, Z. B. A. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Sharai' al-Islam*. 1st Ed. Qom: Islamic Knowledge Foundation.
- Sistani, S. A. (n.d.). Q&A: *Wilayat al-Faqih*. Retrieved from: <https://www.sistani.org/persian>.
- Sistani, S. A. (1417 AH). *Minhaj al-Salihin*. 5th Ed. Qom: Office of Ayatollah Sistani.
- Sistani, S. A. (1396 SH). *Comprehensive Tawdih al-Masail*. 3rd Ed. Mashhad: Office of Ayatollah Sistani.
- Sobhani Tabrizi, J. (1420 AH). *Al-Khums fi al-Shari'at al-Islamiyyat al-Gharra*. Qom: Imam Sadiq (AS) Institute.
- Tabarani, S. B. A. (n.d.). *Al-Mu'jam al-Kabir*. Cairo: Maktabat Ibn Taymiyyah.
- Tabarsi, F. B. H. (1408 AH). *Majma' al-Bayan*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Islamic Publications Office.
- Tusi, M. B. H. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Tusi, M. B. H. (1387 AH). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah*. 3rd Ed. Tehran: Al-Maktabat al-Murtadhawiyyah.

- Tusi, M. B. H. (1400 AH). *Al-Nihayah fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatawa*. 2nd Ed. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Tusi, M. B. H. (1407 AH). *Al-Khilaf*. 1st Ed. Qom: Islamic Publications Office.
- Tusi, M. B. H. (1407 AH). *Tahdhib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Tusi, M. B. H. (1420 AH). *Al-Fihrist*. Edited by S. M. S. Al Bahr al-Ulum. 1st Ed. Najaf: Al-Maktabat al-Radhawiyyah.
- Tusi, M. B. H. (1427 AH). *Al-Abwab (Rijal al-Sheikh al-Tusi)*. Edited by J. Qayyumi Isfahani. 3rd Ed. Qom: Islamic Publications Office.
- Yazdi, S. M. K. (1414 AH). *Takmilat al-Urwat al-Wuthqa*. Edited by S. M. H. Tabatabaei. 1st Ed. Qom: Davari Bookstore.
- Yazdi, S. M. K. (1430 AH). *Al-Urwat al-Wuthqa wa al-Ta'liqat alayha (with Commentaries of 41 Scholars)*. Qom: Mu'assasat al-Sibtayn al-Alamiyyah.
- Zamakhshari, M. (1407 AH). *Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.